

شخصیت و شخصیت پردازی

در رمان فارسی

رئالیسم، مدرنیسم، پسا مدرنیسم

دکتر مجید جلاله وند اکامی



شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان فارسی

(رنالیسم، مدرنیسم و پسا مدرنیسم)



نشر کیان افراز

۱۳۹۷

سرشناسه	:	جلاله‌وند الکامی، مجید، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور	:	شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان فارسی: (رتالیسم، مدرنیسم و پسا مدرنیسم) / مجید جلاله‌وند الکامی.
مشخصات نشر	:	تهران: کیان‌افراز، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۳۴۲ ص؛ ۵/۲۱×۵/۱۴؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۸۸۵۴-۵۵-۵
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. [۳۰۹] - ۳۳۲.
یادداشت	:	نمایه.
موضوع	:	شخصیت‌پردازی در ادبیات
موضوع	:	Characters and characteristics in literature
موضوع	:	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
موضوع	:	Persian fiction -- 20th century -- History and criticism
رده بندی کنگره	:	PN۴/۵۶:ش ۳۸۳ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی	:	۹/۸۰۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۲۱۴۰۸۱

شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان فارسی

(رنالیسم، مدرنیسم و پسامدرنیسم)

دکتر مجید جلاله‌وند الکامی



۱۳۹۷



دفتر مرکزی: خیابان دوازده فروردین، خیابان آذربایجان شرقی، پلاک ۱۲۸، واحد ۷.

تلفن: ۶۶۴۵۳۱۴۰

شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان فارسی
(رنالیس، مدرنیسم و پسامدرنیسم)

مجید جلاله‌وند الکامی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۷

طراحی جلد: محمد سلگی

ویراستار فنی و تخصصی: دکتر معصومه غبوری

صفحه‌آرا: تحریریه کیان افراز

چاپ / صحافی: سورنا

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای نشر کیان افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله، چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

برای همسر و دخترانم
زهرا و مریم

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۳
مقدمه	۱۵

فصل اول: گفتمان، رمان و شخصیت

درآمد	۲۷
۱. روانکاوی لاکان و گفتمان	۲۸
۲. رمان و گفتمان	۳۴
۳. شخصیت و شخصیت‌پردازی	۳۹
شخصیت در روانشناسی	۴۰
شخصیت در ادبیات	۴۰
رویکرد نشانه‌شناختی و ساختگرایانه به شخصیت	۴۴
رویکرد روان‌شناختی و انسان‌مدارانه به شخصیت	۴۷
رویکرد پیوستاری به رابطه‌ی شخصیت و پیرنگ	۴۸
۴. تحلیل شخصیت	۴۹
فرایند نامگذاری بارت	۵۱
تحلیل معنایی (تحلیل سازه‌ای) فاوئر	۵۱
مشخصه‌ی معنایی مایکل تولان	۵۶
۵. شخصیت‌پردازی	۵۶
توصیف مستقیم	۵۷
توصیف غیرمستقیم	۵۷
کنش	۵۸
محیط	۵۹

وضعیت ظاهری ۵۹

گفتار ۶۲

فصل دوم: شخصیت و شخصیت‌پردازی رمان‌های رئالیستی

درآمد ۶۷

۶. رئالیسم ۶۹

۷. رمان رئالیستی و مؤلفه‌های آن ۷۶

۸. رئالیسم در ایران ۷۵

رئالیسم سوسیالیستی ۷۷

رئالیسم متعهد دهه‌ی چهل ۸۲

۹. ژرف‌ساخت اسطوره‌ای رمان‌های رئالیستی ۸۳

۱۰. شخصیت‌پردازی در رمان‌های رئالیستی ۸۹

مطلق‌گرایی و ایستایی شخصیت‌ها ۹۰

تعهد‌گرایی و اجتماعی‌بودن شخصیت‌ها ۹۶

آرمان‌گرایی و عصیان‌گری شخصیت‌ها ۱۰۲

دگرخواهی و از خودگذشتگی شخصیت‌ها ۱۱۷

جاودانگی و نامیرایی شخصیت‌ها ۱۲۱

۱۱. بحران هویت و احیای نام و قانون پدر ۱۲۶

احیای نام و قانون پدر در گفتمان‌های روشنفکری ۱۳۰

احیای نام پدر در نظریه‌های ادبی و رمان‌های رئالیستی ۱۳۳

جمع‌بندی ۱۳۹

فصل سوم: شخصیت و شخصیت‌پردازی رمان‌های مدرن

درآمد ۱۵۱

۱۲. مدرن، مدرنیته، مدرنیزاسیون ۱۵۲

۱۳. مدرنیسم ۱۵۴

۱۴. رمان مدرن و مؤلفه‌های آن ۱۵۷

۱۵. رمان‌های مدرن فارسی	۱۶۱
۱۶. شخصیت‌پردازی در رمان‌های مدرن	۱۶۴
تنهایی، بیگانگی و ناکامی شخصیت‌ها	۱۶۵
ترس خوردگی و بدگمانی شخصیت‌ها	۱۷۵
ویرانگری و خودویرانگری شخصیت‌ها	۱۸۱
سردرگمی و ناپایداری شخصیت‌ها	۱۸۹
۱۷. تضعیف گره‌گاه‌ها و انکار نام و قانون پدر	۲۱۳
انسان‌شناسی مدرن و تقدس‌زدایی از انسان	۱۹۴
انکار نظم مذهبی و سیاسی	۱۹۸
انکار نام و قانون پدر در رمان مدرن	۲۰۱
جمع‌بندی	۲۱۳

فصل چهارم: شخصیت و شخصیت‌پردازی رمان‌های پسامدرن

درآمد	۲۱۹
۱۸. پسامدرن، پسامدرنیته و پسامدرنیسم	۲۱۹
ماهیت پسامدرن	۲۲۰
دریدا و بنیادستیزی	۲۲۳
لیوتار و مرگ کلان‌روایت‌ها	۲۲۵
بودریار و تسلط وانموده‌ها	۲۲۶
۱۹. داستان پسامدرن و مؤلفه‌های آن	۲۲۸
۲۰. رمان‌های پسامدرن فارسی	۲۳۶
۲۱. شخصیت‌پردازی در رمان‌های پسامدرن	۲۴۰
هویت‌باختگی شخصیت‌ها	۲۴۱
ساختگی و واژه‌بودگی شخصیت‌ها	۲۴۶
انسان‌زدایی و مرگ شخصیت‌ها	۲۵۱
روان‌گسیختگی شخصیت‌ها	۲۵۵

۲۶۵.....	۲۲. فروپاشی کلان‌روایت‌ها و شورش بر نام و قانون پدر
۲۶۷.....	فروپاشی کلان‌روایت‌ها در گفتمان‌های روشنفکری
۲۷۱.....	فروپاشی کلان‌روایت‌ها در رمان‌های پسامدرن
۲۸۷.....	جمع‌بندی
۲۹۰.....	پیوست
۲۹۱.....	جدول ۱ (بن‌معناهای شخصیت‌های رمان‌های رئالیستی)
۲۹۲.....	جدول ۲ (بن‌معناهای شخصیت‌های رمان‌های مدرن)
۲۹۳.....	جدول ۳ (بن‌معنای شخصیت‌های رمان‌های پسامدرن)
۲۹۳.....	یادداشت
۳۱۱.....	کتاب‌نامه
۳۳۰.....	نمایه‌ها

پیش گفتار

کتاب پیش رو که به شخصیت و شخصیت‌پردازی رمان فارسی می‌پردازد، در واقع شکل تجدیدنظر شده‌ی رساله‌ای است که در بهمن ۱۳۹۳ در دانشگاه گیلان دفاع کردم و در سال ۱۳۹۵ در یازدهمین گردهمایی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان رساله‌ی برتر دکتری شناخته شد. از زمان شکل‌گیری موضوع این پژوهش در سال ۱۳۸۹ تاکنون استادان گرانقدرم در دانشگاه گیلان، راهنما و مشوق نگارنده بوده‌اند که سپاسگزاری از همه‌ی آن‌ها در این مختصر نمی‌گنجد. پیش و بیش از همه ارادت قلبی خود را به جناب آقایان دکتر برکت، دکتر تسلیمی، دکتر رضایتی، دکتر نیکویی تقدیم می‌کنم که رهنمودهایشان راهگشای بسیاری از سردرگمی‌های شاگردشان بود.

از دوستان بزرگوaram که در این مدت با بنده همراه بودند، تقدیر و تشکر می‌کنم. خانم دکتر معصومه غیوری که از زمان شکل‌گیری موضوع، خواننده‌ی منتقد مطالب بودند، ویراستاری کتاب را پذیرفتند و با دقت نظر و پیشنهادهای خود به مطالب نظم و انسجام دادند. جناب آقای دکتر محمدهادی فلاحتی و آقای دکتر هادی قلیزاده در انجام کارهای فنی همراه بودند. آقای سعید گلناری، بسیاری از منابع دیرپاب را از کتابخانه‌ی غنی خود در اختیارم قرار دادند. همسر، خانم سهیلا صالحی در این سال‌ها محیط آرامی برای نوشتن فراهم آوردند و در تایپ یادداشت‌ها یاری‌گر من بودند و دخترانم زهرا و مریم که کم‌حرفی‌های پدر را با صبر و حوصله تحمل کردند و در پایان سپاسگزار و قدردان مادرم هستم که دعای خیرشان همواره بدرقه‌ی راهم بوده است. و نیز تقدیر و تشکر می‌کنم از خانم مریم کیان‌افراز که مقدمات چاپ کتاب را در نشر کیان‌افراز فراهم آوردند.

مجید جلاله‌وند الکامی

رشت، خرداد ۱۳۹۷

مقدمه

رمان و انسان مدرن جفت‌های همزادند، رمان حماسه‌ی جهانی است که خداوند از آن رخت برپسته.^[۱] هگل رمان را «حماسه‌ی مدرن بورژوایی» تعریف می‌کند. حماسه‌ی دنیایی که در آن «نثر مناسبات اجتماعی» جایگزین «شعر قلب» عصر حماسی شده و شعرگونگی و یکپارچگی و انسجام عصر حماسی در آن از هم گسیخته است.^[۲] رمان در این دوران گسست، هنگامی که انسان غربی می‌کوشید خود در جهان بی‌خدا، نقش آفریننده را برعهده گیرد، به دنیا آمد و در ایران نیز با ورود مظاهر مدرنیته در آستانه‌ی انقلاب مشروطه متولد شد، درست پس از آنکه ساختار سنتی جامعه‌ی ایرانی تدریجاً درهم می‌شکند و انسان ایرانی بر آن می‌شود، خود سرنوشتش را مقدر کند.

حمله‌ی روسیه به ایران و جدایی بخش‌های وسیعی از پیکره‌ی آن و در پی آن پروژه‌ی مدرنیزاسیون و پذیرش فرهنگ، تمدن و شیوه‌ی زندگی دیگری و همانندسازی تام و تمام با غیر، رویای وحدت «ذهن» و «عین» و «درون» و «برون» دوران سنتی را برآشفست؛ فانتزی‌های قومی، ملی و سنتی را درهم‌نوردید؛ انسجام و تمامیت خیالی نظم نمادین را درهم‌شکست و زمینه‌ی فروپاشی جامعه‌ی سنتی و هویت دیرینه‌ی ایرانی را فراهم آورد. دیگری بودن این «خود» واکنش روشنفکران، نخبگان و نظریه‌پردازان فرهنگی را برانگیخت و به ارزیابی ماهیت مدرنیته و انتقاد از انسان‌زدایی و ازخودبیگانگی فرهنگ سرمایه‌داری و نظام‌های خودکامه واداشت. انسان گره‌گاه، دال سیال و نقطه‌ی کانونی و محل تنازع و کشمکش همه‌ی گفتمان‌های روشنفکری و ادبی این دوره است. هریک از این گفتمان‌ها تلاش می‌کنند، برای عبور از این بحران با کاستن از حالت چند معنایی انسان، معنای موردنظر خود را مفصل‌بندی کنند.

رمان فارسی نیز - خواسته یا ناخواسته و بیش و کم - از زمان پیدایش، درگیر دغدغه‌های هستی‌شناختی جامعه‌ی ایرانی بوده‌است. این دغدغه‌ها را می‌توان در شیوه‌های شخصیت‌پردازی رمان فارسی مطالعه و مشاهده کرد؛ تجربه‌ها، آرمان‌ها و خواسته‌های انسان - چه انسان خودآیین و اجتماعی در رمان رئالیستی یا انسان منفعل و منزوی در رمان مدرن چه انسان شی‌واره یا ازهم‌گسیخته در رمان نو یا پست‌مدرن - در رمان بازتاب می‌یابد و هر یک از جریان‌ها و گرایش‌های رمان‌نویسی می‌کوشند، بخشی از امکان‌های وجودی انسان را به نمایش درآورند.

با گذشت یک سده، از پیدایش نخستین رمان‌گونه‌های فارسی تا تجربه‌های داستان‌نویسی مدرن و پسامدرن در یک نمای گسترده‌تر، قضاوت و مطالعه درباره‌ی جوانب مختلف ادبیات داستانی از جمله شخصیت ضروری به نظر می‌رسد. مطالعه‌ی شخصیت علاوه بر اینکه سیر تحول و تطور شخصیت‌پردازی رمان‌های فارسی را ارزیابی می‌کند، می‌تواند در حد وسیع، دگرگونی ذهنیت انسان ایرانی را در صدسال اخیر بررسی کند و نشان دهد که انسان ایرانی در این صدسال چگونه می‌اندیشیده و چه ارزش‌هایی مطلوب او بوده و به‌طور کلی در بحران‌هایی که در این دوره با آن‌ها مواجه شده، چه دگرگونی‌هایی در نگرش و در جهان‌شناسی او رخ داده است؟

اثر پیش‌رو به بررسی مشخصه‌های شخصیت‌آفرینی در رمان‌های رئالیستی، مدرنیستی و پسامدرنیستی فارسی می‌پردازد و مبانی فکری شکل‌گیری آن‌ها را در گفتمان‌های غالب روشنفکری بررسی می‌کند.

شخصیت‌ها در ارتباط با سایر اشخاص و عناصر داستانی در فضای رمان آفریده می‌شوند و رمان نیز در تعامل با گفتمان‌ها زاده می‌شود. گفتمان‌ها خودآگاه یا ناخودآگاه در آفرینش رمان‌ها دخالت دارند. بررسی یکی از عناصر داستان به‌تئهایی و جدای از رابطه‌ی «جزء و کل» آن‌ها، هر چند زوایایی از اثر را روشن می‌کند، اما ممکن است، تحلیلی تقلیل‌گرایانه محسوب شود. بسیاری از پژوهش‌هایی که در

حوزه‌ی ادبیات داستانی به‌ویژه رمان انجام گرفته‌اند، داستان‌های فارسی را به‌صورت منفرد و جزیره‌های تک‌افتاده بررسی کرده و کمتر به روابط «بینانظامی و فرانظامی»^[۳] و رابط‌های «جزء و کل»^[۴] آثار توجه نموده‌اند. در این پژوهش در حد وسع و حتی‌الامکان تلاش کرده‌ام، عنصر شخصیت را در مقایسه با سایر اشخاص و در فضای رمان‌ها و پیوند با گفتمان‌های غالب روشنفکری و ادبی بررسی کنم.

البته این شیوه‌ی تحقیق هرچند چشم‌اندازهای تازه‌تری بر روی خوانندگان می‌گشاید، اما محدودیت‌ها و دشواری‌هایی به‌ویژه برای محقق ایجاد می‌کند. مسئله‌سازترین این محدودیت‌ها، این است که محقق به‌ناچار باید دست به‌گزینش بزند و از روش‌های استقرایی و نمونه‌برداری برای بررسی بهره‌گیرد؛ چراکه بررسی یک عنصر در همه‌ی رمان‌ها و جریان‌ها، دشوار و شاید ناممکن و حتی غیرضروری به‌نظر برسد. به‌هرحال، انتخاب و طبقه‌بندی جریان‌های رمان‌نویسی فارسی، انتخاب رمان‌ها، انتخاب روش‌شناسایی و روش تحلیل شخصیت‌ها، مهمترین دشواری‌ها و محدودیت‌هایی بود که با آن‌ها مواجه بوده‌ام و در این مقدمه تلاش می‌کنم دلایل انتخاب‌های خود را با خوانندگان گرامی در میان نهم.

طبقه‌بندی رهیافت‌ها، مکتب‌ها و جریان‌ها و تعیین جایگاه آثار هنری و ادبی همواره محل بحث و نزاع و مناقشه‌ی اهل نظر بوده است، به‌طوری‌که گاه یک اثر منفرد را در چند جریان دسته‌بندی کرده‌اند. براساس این منتقدان معتقدند که رهیافت‌ها و جریان‌های هنری و ادبی را صرفاً به لحاظ نظری می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد، اما در عرصه‌ی عمل هیچ‌گاه این جریان‌ها و رهیافت‌ها در حالت ناب و خالص وجود ندارند، بلکه به‌شکل‌های گوناگون باهم مرتبط‌اند (نک. بکولا، ۱۳۸۷: ۴۹۱). برای گذر از این تنگنا، توجه به «عنصر یا وجه غالب»^[۵] هریک از این جریان‌ها در عمل می‌تواند راهگشا باشد. جست‌وجوی «عنصر یا وجه غالب» کمک می‌کند، رمان‌هایی که مشخصه‌ها و مؤلفه‌های مشترکی دارند در یک گروه و

جریان قرارگیرند و و رمان‌هایی که ویژگی‌هایی متمایز دارند، در دسته‌ها و جریان‌های دیگری دسته‌بندی شوند.

از زمان پیدایش رمان فارسی، جریان‌های مختلفی در ایران شکل گرفته‌اند که با توجه به نوع طبقه‌بندی آن‌ها می‌توان از رمان‌هایی تحت‌عنوان، رمان تاریخی، رمان اجتماعی، رمان روان‌شناختی، رمان ناتورالیستی، رمان تمثیلی، رمان علمی و انواع و اقسام دیگر یاد کرد. در این تحقیق رمان‌های فارسی تحت سه جریان عمده‌ی موسوم به رئالیسم، مدرنیسم و پسا مدرنیسم طبقه‌بندی و بررسی می‌شوند.

مسئله‌ی دیگر این تحقیق انتخاب رمان‌های فارسی برای بررسی بود. گزینش رمان‌ها همچون طبقه‌بندی و نام‌گذاری جریان‌های ادبی با توجه به انبوه تولیدات داستانی از زمان پیدایش نخستین رمان‌گونه‌هایی چون *مسالك المحسنين* و *سياحت‌نامه‌ی ابراهیم‌بیگ* تا رمان‌هایی نظیر *ملکوت*، *طوبا و معنای شب*، *سمفونی مردگان*، *گاوخونی*، *رود راوی* و *همنواپی شبانه‌ی ارکستر چوب‌ها*، *کاری بسیار دشوار*، *پردردر* و *مناقشه‌آمیز* بوده‌است. آنچه بیش از همه در گزینش رمان‌ها دخیل بوده، پاسخ به این سؤال مقدر است که آن اثر تا چه حد توانسته، در گفتمان‌های غالب ادبی و روشنفکری برجسته شود. به اعتقاد *ساندرو بکولا*، یک اثر «موفق» اثری است که بتواند «ذهنیت و آگاهی عصر «خودش» را منعکس سازد» (۱۳۸۹: ۲). ذهنیت و آگاهی هر عصر در گفتمان‌های و جریان‌های همان دوره منعکس می‌شود. هرچند ممکن است آثاری که در یک دوره یا یک گفتمان برجسته می‌شوند، الزاماً آثار برجسته‌ای نباشند و به سبب نیازها و ضرورت‌های تاریخی و اجتماعی، اثری برتر تلقی شده باشند. به اعتقاد *اون زهر*، «متن در یک فرهنگ خاص به خاطر زیبایی یا حقیقت ذاتی و جاودان نیست که به بالاترین سطح سلسله‌مراتب می‌رسد، بلکه اولاً به سبب ماهیت نظام چندگانه‌ی فرهنگ دریافت‌کننده و شرایط تاریخی، اجتماعی یا ادبی آن و ثانیاً به سبب تفاوت میان برخی عناصر متن و هنجارهای فرهنگی است» (گنتزler، ۱۳۸۰: ۱۵۹).

به هر حال، هر چند در هر گزینشی ذوق و سلیقه‌ی شخصی به‌طور طبیعی و ناخودآگاه تأثیرگذار خواهد بود، سعی شده است، رمان‌های جریان‌ساز و برتر هر سال و برترین‌های مجامع ادبی و نیز آثاری که مورد اقبال عمومی از رده‌ها و طبقات مختلف جامعه‌ی ایرانی قرار گرفته و در حافظه‌ی جمعی ایرانیان ضبط و ثبت و به‌عنوان بهترین رمان‌های فارسی پذیرفته شده باشند، در این لیست قرار گیرند. افزون بر این از ملاک‌های دیگری که در این گزینش مؤثر بوده، انتخاب رمان‌هایی است که در یک عصر و دوره یا گفتمان‌هایی نزدیک به هم شکل گرفته‌اند. براین اساس، رمان‌های رئالیستی و مدرنیستی انتخاب شده، رمان‌هایی هستند که قبل از انقلاب نوشته شده‌اند یا در همان دوره‌ی تاریخی شکل گرفته‌اند و رمان‌های پسامدرنیستی نیز از میان رمان‌های انتخاب شده‌اند که پس از دهه‌ی هفتاد در ایران نوشته شده‌اند. باتوجه به ملاحظات یاد شده و باتوجه به محدودیت‌هایی که از آن‌ها سخن رفت، در این پژوهش دختر رعیت (۱۳۳۱)، چشم‌هایش (۱۳۳۱)، مدیر مدرسه (۱۳۳۷)، تنگسیر (۱۳۴۲)، سووشون (۱۳۴۸)، همسایه‌ها (۱۳۵۳)، کلیدر (۱۳۵۷) - (۱۳۶۲) به‌عنوان رمان‌های رئالیستی؛ و بوف کور (۱۳۱۵)، سنگ صبور (۱۳۴۵)، شازده احتجاب (۱۳۴۷)، به‌عنوان رمان‌های مدرن و کولی کنار آتش (۱۳۷۳)، رود راوی (۱۳۸۲)، هیس: - مانده؟ - وصف؟ - تجلی؟ (۱۳۸۲) به‌عنوان رمان‌های پسامدرن مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

البته دستاوردهای این تحقیق را می‌توان در رمان‌هایی نظیر سفر شب (۱۳۴۵)، کریستین و کید (۱۳۵۰)، شب یک شب دو (۱۳۵۳)، بره‌ی گمشده‌ی راعی (۱۳۵۶)، شب هول (۱۳۵۷)، سمفونی مردگان (۱۳۶۸)، همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها (۱۳۷۵)، دل دل‌دادگی (۱۳۷۷)، نیمه غایب (۱۳۷۸)، شهری که زیر درختان سدر مرد (۱۳۷۹)، انگار گفته بودی لیلی (۱۳۷۹) و دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد (۱۳۸۰)، چه کسی باور می‌کند رستم (۱۳۸۲)، به‌عنوان رمان‌های مدرن و گلوخونی (۱۳۶۲)، پیکر فرهاد (۱۳۷۴)، آزاده خانم و نویسنده‌اش (۱۳۷۶)، باورهای

خیس یک مرده (۱۳۷۶)، از چشم‌های شما می‌ترسم (۱۳۸۳)، کتاب اعتیاد (۱۳۸۴)، خط تیره، آیلین (۱۳۸۵)، بطالت (۱۳۸۶)، شب ممکن (۱۳۸۸) به‌عنوان رمان‌های پسامدرن و رمان‌های دیگر به کار گرفت که امیدوارم در اثری که در مورد جریان‌های رمان‌نویسی در دست تألیف دارم، در مورد آن‌ها و به‌طورکلی رمان‌های فارسی به تفصیل سخن بگویم.

برای شناسایی عام‌ترین و بنیادی‌ترین ویژگی شخصیت‌ها از رویکرد روایت‌شناسی پساساختگرا و برای تحلیل شخصیت‌ها در رمان‌ها و گفتمان‌ها از روانکاوی ژاک لاکان و نیز نظریه‌ی گفتمان لاکلانو- موفه استفاده کرده‌ام. در نقد ادبی رویکرد روایت‌شناسی پساساختگرا کاربردی‌ترین روش‌ها را برای شناسایی شخصیت در اختیار خوانندگان و محققان قرار می‌دهد. نظریه‌های روایت‌شناسی در مورد چگونگی برساخته‌شدن شخصیت، شباهت فراوانی به دستاوردهای رویکرد صفات در روان‌شناسی دارد. شیوه‌ی خلاصه‌کردن، جمع‌بندی، سازمان‌دهی افراد در یک یا چند صفت اصلی و کلی و توصیف و تحلیل نشانه‌ها و رمزگان‌ها، از روش‌های مشترک هر دو رویکرد است. عام‌ترین و بنیادی‌ترین ویژگی شخصیت‌های هریک از جریان‌های رمان‌های فارسی با استفاده از رهیافت‌های روایت‌شناسانی چون رولان بارت، راجر فاولر و مایکل تولان استخراج و بررسی می‌شوند [نک. بخش پیوست].

افزون‌براین، هر چند در رمان برخلاف داستان کوتاه به شخصیت‌های متعددی پرداخته می‌شود، اما همه‌ی این شخصیت‌ها و عناصر دیگر آن در خدمت معرفی شخصیت اصلی قرار می‌گیرند. در این کتاب آنچه در تحلیل شخصیت‌ها مورد نظر است، شخصیت‌های اصلی هر رمان هستند، شخصیت‌های دیگر رمان نیز در صورتی که تأثیر مستقیمی در جریان کنش‌ها و حوادث داشته باشند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

این پژوهش با توجه به اینکه به شخصیت و نیز به بررسی مبانی فکری، فرهنگی و اجتماعی شکل‌گیری شخصیت‌های رمان فارسی می‌پردازد، به‌نحوی می‌تواند روانکاوی جامعه‌ی ایرانی و به‌ویژه جامعه‌ی روشنفکری و ادبی باشد. ازاین‌رو استفاده از رویکردها و نظریه‌های روانکاوی و نیز گفتمانی را برای تحلیل داده‌ها مناسب‌تر یافته‌ام. روان‌کاوی ژاک لاکان و نیز نظریه‌ی گفتمان ارنستو لاکلانو و شانتال موفه، ابزار و روش‌های سودمندی برای تحقیق در گفتمان‌ها، حوزه‌ی ارتباطات، مطالعات فرهنگی، هنری، ادبی و اجتماعی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. گفتمان‌های فکری، فلسفی، فرهنگی و اجتماعی هر دوره و همچنین رویکرد منتقدان و نویسندگان جریان‌سازی نظیر فاطمه سیاح، احسان طبری، هوشنگ گلشیری و گفتمان‌های روشنفکری چون شریعتی، آل‌احمد، شایگان و ... که خودآگاه یا ناخودآگاه در جهت‌گیری رمان فارسی به‌خصوص شخصیت‌پردازی هر جریان مؤثر بوده‌اند، با استفاده از نظریه‌ی گفتمان لاکلانو و موفه تحلیل خواهند شد.

تحلیل روان‌کاوانه‌ی لاکان از سوژه و گذار سوژه از ساحت پیش‌آدیبی و خیالی وحدت دوسویه‌ی کودک و مادر به ساحت نظم نمادین و نام و قانون پدر، نقطه‌ی عزیمت این پژوهش برای تحلیل شخصیت‌پردازی رمان‌های فارسی است. شخصیت‌های رمان‌های فارسی در این کتاب، بر مبنای پذیرش، یا انکار یا شورش بر نام و قانون پدر تحلیل و بررسی شده‌اند. مادر، نام پدر و کودک اضلاع سه‌گانه‌ی فرایند ادیبی هستند. دوران نوزادی، دوران وحدت سوژه و ایژه و یگانگی مطلق کودک و مادر است. کودک و مادر درهم آمیخته‌اند و حقیقت واحدی را تشکیل می‌دهند. نام پدر رابطه‌ی دوسویه و جفت خیالی کودک و مادر را درهم می‌شکند و کودک را به ساحت دال‌های نظم نمادین پرتاب می‌کند. نظم نمادین یا نام و قانون پدر، همان هنجارها، ارزش‌ها، باورها و قوانینی هستند که بر جامعه حاکم‌اند و کودک پس از گذار از دوره‌ی پیش‌آدیبی با آن همذات‌پنداری و قوانین آن را درونی می‌کند.

شخصیت‌های اصلی رمان‌های رئالیستی - که در فصل دوم بررسی می‌شوند - نام و قانون پدر را نمایندگی می‌کنند و شخصیت‌های دیگر، ابروهی مادری را رها می‌کنند و در عرصه‌ی اجتماعی، جذب شخصیت‌ها اصلی می‌شوند و آرمان‌های آن‌ها را می‌پذیرند و درونی می‌کنند. از این رو شخصیت‌هایی که در این رمان‌ها آفریده می‌شوند، چهره‌ای کاملاً اجتماعی پیدا می‌کنند و جنبه‌های اجتماعی آن‌ها بر ابعاد دیگر غلبه دارد. مطلق‌گرایی و ایستایی، تعهدگرایی و اجتماعی بودن، آرمان‌گرایی و عصیانگری، دگرخواهی و از خودگذشتگی، جاودانگی و نامیرایی، مهمترین مبانی شخصیت‌آفرینی در دست نویسندگان رئالیست است. این ویژگی‌ها، مشخصه‌هایی هستند که در قهرمانان حماسی و اسطوره‌ای می‌توان دید، بنابراین آرمانی و اسطوره‌ای کردن انسان مهمترین هدفی است که این رمان‌ها دنبال می‌کنند. رمان‌های برتر رئالیستی و نیز گفتمان‌های غالب روشنفکری پس از کودتای ۲۸ مرداد - در اوج بحران رویارویی ایرانیان با غرب و فروپاشی گره‌گاه‌ها و خاطره‌های قومی و ملی - بر محور چهره‌های اسطوره‌ای و شخصیت‌های بزرگ؛ به عبارتی دیگر، قهرمان مفصل‌بندی می‌شوند. قهرمان به تردید شخصیت‌های پراکنده‌ی پیرامون خود پایان می‌دهد؛ رابطه‌ی ازشم‌گسیخته‌ی فرد و جمع را پنهان و تمامیت ذهن و عین عصر حماسی را احیا می‌کند و نهایتاً ساخت اجتماعی را ممکن می‌سازد. براساس این، بخش پایانی این فصل، مؤلفه‌هایی چون احیای نام و قانون پدر و ستایش و آفرینش مردان بزرگ در رمان‌های رئالیستی و گفتمان‌های ادبی و روشنفکری قبل از انقلاب و چگونگی مفصل‌بندی آن را بررسی می‌کند.

شخصیت‌های رمان‌های مدرنیستی که در فصل سوم بررسی می‌شوند، برخلاف شخصیت‌هایی رئالیستی، نام و قانون پدر را انکار می‌کنند. رمان مدرن - که با بوف کور هدایت در سال ۱۳۱۵ آغاز می‌شود و در دهه‌ی چهل رواج می‌یابد - حکایت دویارگی سوژه و ابژه و داستان‌گذار است؛ گذار انسان و جامعه‌ی ایرانی از وحدت خیالی ذهن و عین دنیای سنت به دنیای مدرن. تنهایی، بیگانگی و ناکامی،

ترس خوردگی و بدگمانی، ویرانگری و خودویرانگری، سردرگمی و ناپایداری مهمترین مبنای آفرینش شخصیت‌های رمان‌های مدرنیستی است که در این بخش بررسی می‌شوند. در رمان‌ها مدرنیستی برخلاف شخصیت‌های رئالیستی نام پدر گره‌گاه منسجمی نیست که به آشفتگی شخصیت‌ها پایان دهد و به بی‌نظمی و پراکندگی آن‌ها نظم و انسجام بخشد. شکست و ناکامی در فرآیند هویت‌یابی، منجر به انکار نام و قانون پدر و موجب ظهور مشخصه‌های پارانوئیدی در شخصیت‌های مدرنیستی می‌گردد که سرگذشت گریزناپذیر آن‌ها، امکان احیای هویت جمعی دنیای سنت را انکار و تهایی‌ها، بی‌قراری‌ها و نهایتاً شکل‌گیری جامعه‌ی فردی را برجسته می‌کند. براساس این در بخش پایانی این فصل، تقدس‌زدایی از انسان در نظریه‌های انسان‌شناسی و تضعیف و انکار نام و قانون پدر در رمان‌های مدرنیستی و جامعه‌ی سیاسی و اجتماعی و مذهبی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

هویت‌باختگی، ساختگی و واژه‌بودگی، انسان‌زدایی و روان‌گسیختگی مهمترین مبنای شخصیت‌آفرینی در رمان‌های پسامدرنیستی است که در فصل چهارم مورد بحث قرار می‌دهم. برخلاف شخصیت‌های بسته و منسجم رئالیستی و شخصیت‌های پارانوئیدی مدرن، بن‌معناهای شی‌زوفرنیک در شخصیت‌پردازی رمان پسامدرن برجسته می‌شوند. در این نوع رمان‌ها، اعتماد و اعتقاد به شخصیت‌های بزرگ، اصالت مؤلف و نام و قانون پدر از دست می‌رود. شخصیت‌های شی‌زوفرنیک پسامدرنیستی از مرزبندی‌ها فراتر می‌روند و کثرت‌گرایی، سیلان و صیوریت بی‌پایان را رواج می‌دهند. آن‌ها نه تنها نام و قانون پدر را درونی نمی‌کنند، بلکه بر گره‌گاه‌ها، کلان‌روایت‌ها و مراکز قدرت می‌شورند تا نشان دهند که هیچ مرجع غایی و مدلول استعلائی وجود ندارد. براساس این در بخش پایانی این فصل به فروپاشی کلان‌روایت‌ها در گفتمان‌های روشنفکری دهه‌ی هفتاد و نیز شورش بر نظم نمادین در رمان‌های پسامدرنیستی می‌پردازیم.